**بیانات مقام معظم رهبری درباره ماه مبارک رمضان**

**بیانات به مناسبت ماه رمضان سال 83**

الآن ماه شعبان متأسفانه دارد تمام مى‌شود. ماه شعبان، ماه دعا و ماه عبادت است. در همين صلواتى كه در مفاتيح مقرر است: «الّذى كان رسول الله (صلّى‌الله عليه‌وآله) يدأب فى صيامه و قيامه فى لياليه و ايّامه بخوعا لك فى اكرامه واعظامه الى محلّ حمامه»؛ پيغمبر تا دم مرگ، تا آخر عمر، ماه شعبان را بزرگ مى‌داشت و در مقابل ماه شعبان خضوع مى‌كرد و عادت داده بود خودش را به صيام و قيام در ماه شعبان. در دنباله اين صلوات هست كه: «اللّهم فاعنّا على الاستنان بسنّته فيه»؛ از خدا مى‌خواهد كه ما را هم موفق بدار كه همان سنت پيغمبر را در ماه شعبان رعايت كنيم. اين ماه شعبان - حتماً مى‌دانيد ديگر - دالان و دهليز ماه رمضان است. ماه رمضان تالار ضيافت الهى است؛ يك تالار عظيم كه اگر كسى وارد آن تالار شد و به خود فرصت داد و همت كرد كه از آنچه در آن‌جا خداى متعال آماده كرده، به خودش بهره‌اي برساند، بهره فراوانى خواهد برد كه آن بهره در ماه شوال و ماه‌هاى ديگرِ سال نيست؛ فقط مخصوص ماه رمضان است. انواع و اقسام ضيافتهاى الهى: رحمت الهى، عزت الهى، توفيق الهى، قرب الهى، استغناى ناشى از تفضل الهى، رزق مادى، رزق معنوى، همه در ماه رمضان است؛ اينها را سر سفره ماه رمضان گذاشته‌اند. بعضى‌ها مى‌آيند و به اين سفره نگاه نمى‌كنند و از وسط اين سفره و اشياي آن عبور مى‌كنند و مى‌روند و هيچى هم گيرشان نمى‌آيد؛ بعضى‌ها يك چيز مختصرى برمى‌دارند؛ يك روزه‏ا‌ي مى‌گيريم ما؛ يك مختصركى، يك چيزى؛ اما بعضى‌ها نه، حسابى مى‌نشينند سر اين سفره و از رحمت الهى كيسه خودشان را پُر مى‌كنند؛ عزت مى‌خواهند، دنيا مى‌خواهند، آخرت مى‌خواهند؛ رفع گرفتارى مى‌خواهند، گشايش در زندگى مى‌خواهند، استغناى طبع مى‌خواهند، صفات و خُلق حسنه مى‌خواهند؛ هرچه مى‌خواهند، براى خودشان و براى ديگران برمى‌دارند.   
  
براى اين‌كه انسان بتواند وقتى وارد اين تالار شد، چشمش باز باشد، غافل نشود، دچار گيجى و گولى نشود كه سرش را بيندازد پايين و از اين در وارد شود و از آن در بيرون برود؛ نگاهى به دوروبر كند واستفاده‎اي ببرد و براى اين‌كه اين آمادگى در من و شما پيدا شود، اين ماه رجب و شعبان را قرار داده‌اند؛ رجب يك‌جور، شعبان يك‌جور ديگر. رجب، بيشتر ماه نماز است؛ شعبان، بيشتر ماه دعا و روزه است؛ اين مناجات شعبانيه را ببينيد. من يك وقتى از امام (رضوان‌الله‌عليه) پرسيدم در اين دعاهاى مأثورى كه وجود دارد، شما كدام دعا را بيشتر از همه خوشتان مى‌آيد و دوست داريد. فرمودند: دعاى كميل و مناجات شعبانيه. اتفاقاً هر دو دعا هم مال ماه شعبان است؛ دعاى كميل كه مى‌دانيد اصلاً ورود اصلى‌اش مال شب نيمه شعبان است، مناجات شعبانيه هم كه از ائمه نقل شده، متعلق به ماه شعبان است. لحن اين دو دعا به هم نزديك است؛ هر دو عاشقانه است. در مناجات شعبانيه: «و ان ادخلتنى النّار اعملت اهلها انّى احبّك»؛ جهنم هم كه من را ببرى، فرياد مى‌كشم تو را دوست دارم. و در دعاى كميل: «لان تركتنى ناطقا لاضجّن اليك بين اهلها ضجيج الاملين و لاصرخنّ اليك صراخ المستصرخين و لابكينّ بكاء الفاقدين»؛ اگر به من در جهنم اجازه بدهى و نطق را از من نگيرى، فرياد مى‌كشم؛ فريادِ اميدواران، فريادِ دلدادگان و فريادِ دلباختگان را.   
  
بايد با اينها مأنوس بشويم و قدرى دلمان را نرم كنيم. اين دل چيز عجيبى است؛ گاهى اوقات به وسيله‌اى كه انسان را به اوج آسمانها و اوج معنويت مى‌برد، تبديل مى‌شود؛ گاهى هم به‏عكس، به سنگ سنگينى تبديل مى‌شود كه بسته شده به پاى انسان و انسان را تا اعماق آب، تا اعماق دره فرو مى‌برد؛ غرق مى‌كند؛ پدر انسان را درمى‌آورد. اگر دل را به پول و به شهوت جنسى و به مقام و به اين چيزها داديد، اين همان سنگ سنگين است؛ دل ديگر نيست. در آن صورت:   
  
ده بود آن، نه دل كه اندر وى   
گاو و خر بينى و ضياع و عقار   
  
آن دلى كه انسان در آن عشق اتومبيل فلان‌جور دارد، آن دل نيست، گاراژ است! بنگاه معاملاتى است! آن دلى كه همه‌اش در آن ميل جنسى موج مى‌زند، ديگر دل نيست، آن عشرتخانه است. شاعر، آن زمان كه ضياع و عقار و زمين و ملك و گاو و خر در زندگى نقش داشته، از اينها نام برده و مى‌گويد دلى كه اينها در آن باشد، آن‌جا طويله است! ده است! دل، نيست؛ دل جاى خداست؛ جاى نور است.

**بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، در ماه رمضان سال 86**

همه ى برادران و خواهران نمازگزار و عزیز را و خودم را توصیه میکنم به رعایت تقواى الهى، که برترین محصول و نتیجه ى این ماه مبارک است.ماه مبارک رمضان با همه ى برکاتش و همه‏ ى زیبائى‏هاى معنوى‏اش، بار دیگر فرا رسید. ...

خطبه ‏ى اول‏

بسم ‏اللَّه ‏الرّحمن ‏الرّحیم‏  
الحمدللَّه ربّ العالمین نحمده و نستعینه و نؤمن به و نستغفره و نصلّى و نسلّم على حبیبه و نجیبه و خیرته فى خلقه و حافظ سرّه و مبلّغ رسالاته بشیر رحمته و نذیر نقمته سیّدنا و نبیّنا ابى القاسم المصطفى محمّد و على اله الأطیبین الأطهرین المنتجبین سیّما بقیّةاللَّه فى الأرضین.

همه ى برادران و خواهران نمازگزار و عزیز را و خودم را توصیه میکنم به رعایت تقواى الهى، که برترین محصول و نتیجه‏ ى این ماه مبارک است. ماه مبارک رمضان با همه‏ى برکاتش و همه‏ى زیبائى‏ هاى معنوى‏اش، بار دیگر فرا رسید. از قبل از شروع ماه مبارک، پیامبر معظم اسلام مردم را آماده می فرمود براى ورود در این عرصه ى خطیر و والا و پربرکت؛ «قد اقبل الیکم شهر اللَّه بالبرکة و الرّحمة».

در خطبه ‏ى روز جمعه‏ ى آخر ماه شعبان، بنا به روایتى اینطور فرمود: خبر داد، توجه داد به مردم که ماه رمضان فرا رسید.

اگر بخواهیم در یک جمله ماه رمضان را تعریف کنیم، باید عرض کنیم ماه فرصت ها. فرصت هاى فراوانى در این ماه در برابر من و شماست.

اگر از این فرصت ها بتوانیم درست استفاده کنیم، یک ذخیره ‏ى عظیم و بسیار ارزشمندى در اختیار ما خواهد بود.

من درباره ‏ى همین مطلب اندکى توضیح عرض میکنم و خطبه‏ى اول درباره ‏ى همین مسائل مربوط به ماه رمضان و این فرصت هاى بى ‏نظیر است.

در همین خطبه اى که اشاره شد، رسول مکرم فرمودند که «شهر دعیتم فیه الى ضیافة اللَّه»؛ این یک ماهى است که شما در این ماه دعوت شده ‏اید به میهمانى الهى.

خود این جمله در خور تدبر و تأمل است؛ دعوت به میهمانى الهى. اجبار نکردند که همه ‏ى افراد از این میهمانى استفاده کنند؛ نه، فریضه قرار داده ‏اند؛ اما تحت اختیار خود ماست که از این میهمانى استفاده بکنیم یا نکنیم.

بعضى هستند که در این میهمانى عظیم اصلاً فرصت این را پیدا نمیکنند که به این دعوتنامه توجه کنند.

غفلت آنها، فرورفتگى آنها در کار مادیت و دنیاى مادى به قدرى است که آمدن و رفتن ماه رمضان را نمیفهمند. مثل همین که کسى را براى یک میهمانى بسیار با شکوه و پرخیر و برکتى دعوت کنند و او فرصت نکند؛ غفلت کند از اینکه کارت دعوت را حتّى نگاه کند. اینها که دستشان بکلى خالى میماند.

بعضى میفهمند این میهمانى هست، اما به این میهمانى نمیروند.کسانى که خداى متعال به آنها لطف نکرده است و توفیق نداده که با اینکه عذرى ندارند، روزه را نمیگیرند یا از تلاوت قرآن یا از دعاهاى ماه رمضان محروم می مانند، آنها همین افراد هستند.

کسانى هستند که وارد این میهمانى نمیشوند، نمى‏آیند به این میهمانى؛ حساب اینها روشن است. جمع کثیرى از مردم مسلمان - امثال ما - وارد این میهمانى میشویم، اما بهره‏ ى ما از این میهمانى به یک اندازه نیست؛ بعضى ‏ها بیشترین بهره را از این فرصت میبرند.

ریاضتى که در میهمانى این ماه وجود دارد - که ریاضت روزه و گرسنگى کشیدن است - شاید بزرگترین دستاورد این ضیافت الهى است.

برکاتى که روزه براى انسان دارد، به قدرى این برکات از لحاظ معنوى و ایجاد نورانیت در دل انسان زیاد است که شاید بشود گفت بزرگترین برکات این ماه همین روزه است.

روزه را بعضى میگیرند؛ پس اینها وارد ضیافت شده اند و بهره ى از این ضیافت را هم گرفته‏ اند. لیکن علاوه‏ ى بر روزه گرفتن - که ریاضت معنوىِ این ماه مبارک است - اینها آموزش خود را هم از قرآن در حد اعلى تأمین میکنند؛ تلاوت قرآن با تدبر.

با حالت روزه ‏دارى یا حالت نورانیتِ ناشى از روزه‏ دارى، در شبها و نیمه شبها تلاوت قرآن، انس با قرآن، مخاطب خدا قرار گرفتن، لذت دیگرى و معناى دیگرى دارد.

چیزى که انسان در چنین تلاوتى از قرآن فرا میگیرد، در حال متعارف و معمول نمیتواند به چنین تلاوتى دسترسى پیدا کند؛ آنها از این هم بهره میبرند.

علاوه ى بر اینها، از مکالمه ى با خداى متعال و مخاطبه ى با خدا، راز و نیاز کردن، دل خود را و اسرار درون خود را براى خدا به زبان آوردن هم بهره ‏بردارى میکنند؛ یعنى همین دعاها. این دعاى ابى‏حمزه ‏ى ثمالى، این دعاهاى روزها، این دعاهاى شبها و سحرها، اینها حرف زدن با خداست، خواستن از خداست، نزدیک کردن دل به ساحت حریم عزت الهى است؛ از این هم بهره میبرند.

بنابراین در این میهمانى، از همه ى دستاوردهاى آن بهره میبرند.

از اینها مقدم تر، شاید به جهتى بالاتر از اینها، ترک گناهان است؛ در این ماه گناه هم نمیکنند. در همان روایت خطبه‏ ى پیامبر اعظم، امیرالمؤمنین (علیه‏الصّلاةوالسّلام) سؤال میکند از پیغمبر که در این ماه کدام عمل بافضیلت‏تر است.

در جواب میفرمایند:«الورع عن محارم اللَّه».

اجتناب از گناهان و از محارم الهى، بر کارهاى اثباتى و ایجابى مقدم است؛

جلوگیرى از آلودگى و زنگار روح و دل است. این افراد از گناه هم اجتناب میکنند.

پس هم روزه دارى است، هم تلاوت است، هم دعا و ذکر است، هم دورى از گناهان است. این مجموعه، انسان را از لحاظ اخلاق و رفتار هم به آن چیزى که مورد نظر اسلام است، نزدیک میکند.

وقتى این مجموعه کار انجام گرفت، دل انسان از کینه ها خالى میشود؛ روح ایثار و فداکارى در انسان زنده میشود؛ کمک به محرومان و مستمندان براى انسان آسان میشود؛ گذشت به نفع دیگران و به زیان خود در امور مادى براى انسان روان میشود. لذا مى‏بینید در ماه رمضان جرم و جنایت کم میشود، کار خیر زیاد مى شود، محبت بین افراد جامعه بیش از اوقات دیگر میشود؛ که اینها به برکت همین ضیافت الهى است.

بعضى اینطور از ماه رمضان بهره ‏ى کامل میبرند، بعضى هم نه؛ از یک چیزى بهره‏مند میشوند، از چیز دیگرى خود را محروم نگه میدارند.

باید تلاش مسلمان در این ماه این باشد که حداکثر بهره را از این ضیافت الهى بگیرد و دست پیدا کند به رحمت و مغفرت الهى، که من تأکید کنم بر روى استغفار؛ استغفار از گناهان، استغفار از خطاها، استغفار از لغزشها؛ چه گناهان کوچک، چه گناهان بزرگ.

این خیلى مهم است که در این ماه، ما خودمان را، دلمان را از زنگارها پاک کنیم؛ خودمان را از آلودگى ‏ها مصفا کنیم، شستشو بدهیم؛ و این با استغفار امکان‏پذیر است. لذا در روایات متعددى دارد که بهترین دعاها یا در رأس دعاها، استغفار است؛ طلب مغفرت از پروردگار. براى همه هم استغفار هست. پیغمبر اکرم هم - آن انسان والا - استغفار میکرد. حالا استغفار امثال ما از نوعى از گناهان است؛ این گناهان متعارف و معمولى و گرایشهاى حیوانى در وجود ما و همین گناهانِ به تعبیرى میگوئیم گناهان چاروادارى؛ گناه هاى آشکار و واضح. بعضى‏ها استغفارشان از چنین گناهانى نیست؛ از ترک اولى‏ است. بعضى ترک اولى‏ هم نمیکنند؛ اما استغفار میکنند، که این استغفار از قصور ذاتى و طبیعى انسانِ ممکن در قبال عظمت ذات مقدس پروردگار است؛ استغفار از عدم معرفت کامل، که این مال اولیاء و مال بزرگان است.

ما باید از گناهانمان استغفار کنیم. فایده‏ى بزرگ استغفار این است که ما را از غفلت نسبت به خود خارج میکند. ما گاهى در مورد خودمان دچار اشتباه میشویم. وقتى به فکر استغفار مى‏افتیم، گناهان، خطاها، خیره‏ سرى ‏ها، پیروى از هواى نفس که کردیم، تجاوز از حدود که انجام دادیم، ظلمى که به نفس خودمان کردیم، ظلمى که به دیگران کردیم، جلوى چشم ما زنده میشود و به یادمان مى‏ آید که چه کرده‏ایم؛ آن وقت دچار غرور، دچار نخوت، دچار غفلت نسبت به خود نمیشویم. اولین فایده‏ى استغفار این است. بعد هم خداى متعال وعده فرموده است که آن کسى که استغفار کند، یعنى به عنوان یک دعاى حقیقى از خداى متعال حقیقتاً آمرزش بطلبد و از گناه پشیمان باشد، «لوجد اللَّه توّاباً رحیما»؛ خداى متعال توبه‏پذیر است. این استغفار، بازگشت به سوى پروردگار است؛ پشت کردن به خطاها و گناهان است و خداوند میپذیرد؛ اگر استغفار، استغفار حقیقى باشد. توجه کنید که همین‏طور آدم به زبان بگوید: استغفراللَّه، استغفراللَّه، استغفراللَّه، اما حواسش این طرف و آن طرف باشد، این فایده‏اى ندارد؛ این استغفار نیست. استغفار یک دعاست، یک خواستن است؛ باید انسان حقیقتاً از خدا بخواهد و مغفرت الهى و گذشت پروردگار را بطلبد: من این گناه را کرده‏ام؛ پروردگارا! به من رحم کن، از این گناه من بگذر. اینطور استغفار کردنى نسبت به هر یک از گناهان، مسلماً غفران الهى را پشت سر خواهد داشت؛ خداى متعال این باب را باز فرموده است.

البته در دین مقدس اسلام، اقرار به گناه پیش دیگران ممنوع است.

اینکه در بعضى از ادیان هست که بروند توى عبادتگاه‏ ها، پیش روحانى، کشیش، بنشینند، اعتراف به گناه کنند، این در اسلام نیست و چنین چیزى ممنوع است. پرده ‏درىِ نسبت به خود و افشاى اسرار درونى خود و گناهان خود پیش دیگران، ممنوع است؛ هیچ فایده‏اى هم ندارد. اینکه حالا در آن ادیان خیالى و پندارى و تحریف شده اینطور ذکر میشود که کشیش گناه را می بخشد، نه؛ در اسلام بخشنده‏ ى گناه، فقط خداست.

حتّى پیغمبر هم نمیتواند گناه را ببخشد. در آیه‏ ى شریفه میفرماید: «ولو انّهم اذ ظلموا انفسهم جاءوک فاستغفراللَّه و استغفر لهم الرّسول لوجد اللَّه توّابا رحیما»؛ وقتى گناهى انجام دادند، ظلم به نفس کردند، اگر بیایند پیش تو که پیغمبر هستى، از خداى متعال طلب مغفرت و طلب بخشش کنند و تو هم براى آنها طلب بخشش کنى، خداوند توبه‏ ى آنها را میپذیرد.

یعنى پیغمبر براى آنها طلب بخشش میکند؛ خود پیغمبر نمیتواند گناه را ببخشد؛ گناه را فقط خداى متعال باید ببخشد.

این استغفار است، که این استغفار حقیقتاً جایگاه مهمى دارد. از استغفار در این ماه غفلت نشود؛ بخصوص در سحرها، در شبها. دعاهائى که در ماه رمضان هست، اینها را با توجه به معانى‏اش بخوانید.

بحمداللَّه جامعه‏ ى ما یک جامعه ‏ى معنوى است. دعا و توجه و توسل و ابتهال الى‏ اللَّه در بین مردم ما رایج است و مردم دوست میدارند؛ جوانهاى ما دلهاى پاک و نورانى‏شان به ذکر خدا متمایل است؛ اینها همه فرصت است. ماه رمضان هم که یک فرصت الهى است، در اختیار ما قرار داده شده؛ استفاده کنید از این ماه مبارک، از این فرصت بسیار بزرگ؛ دلها را به خدا نزدیک کنید، آشنا کنید؛ با استغفار، دلها و جانها را پاکیزه کنید؛ خواسته ‏هایتان را با خداى متعال مطرح کنید. ارتباط معنوى ملت ما با خداى متعال کارهاى بزرگى انجام داده است، و ماه رمضان فرصت فوق‏ العاده‏اى است براى این کار؛ از این فرصت استفاده شود.

ان شاءاللَّه خداوند متعال به همه ى ما کمک کند تا بتوانیم در این ماه رمضان جنبه ى فرشته‏ گون وجود خود را بر جنبه ى حیوانى خود غلبه دهیم. ما یک جنبه ى ملکى و فرشته‏اى داریم، یک جنبه‏ ى مادى و حیوانى داریم.

هوس ‏هاى نفسانى، جنبه ‏ى مادى را بر آن جنبه‏ ى ملکى و فرشته‏اى غلبه میدهد. ان‏شاءاللَّه در این ماه رمضان بتوانیم آن روحانیت را، آن نورانیت را بر جنبه ى مادى غلبه بدهیم و این را به عنوان ذخیره اى نگه داریم و از ماه رمضان به عنوان تمرینى که در طول سال این تمرین به کار ما خواهد آمد، ان‏شاءاللَّه استفاده کنیم.

بسم ‏اللَّه‏ الرّحمن ‏الرّحیم‏  
والعصر.انّ الانسان لفى خسر.الّا الّذین امنوا و عملوا الصّالحات و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر

منبع: Khamenei.ir